View the original article

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ تسویه حساب با مردی که پای اصولش ایستاد

محمد ضرغامی

۱۸/آبان/۱۴۰۵



حمید علیدوستی

چرا آن‌ها که اصولی دارند، برای پایبندی به آن اصول هزینه بیشتری می‌دهند؟ و چرا وقتی می‌روند، انگار اصالت و باورهایشان را هم با خود می‌برند؟

حمید علیدوستی از همان آدم‌های متفاوت بود؛ مردی که فوتبال برایش فقط فوتبال نبود و وفاداری به اصولش را تا آخرین لحظه حفظ کرد. شاید بعضی رفتن‌ها هم شکل دیگری از وفاداری باشند؛ وفاداری به چیزی که نمی‌توان از آدم گرفت.

در برنامهٔ رادیویی «پاراگراف اول»، بهمن فروتن، بازیکن سابق تیم‌های طوفان، شعاع و شاهین و سرمربی پیشین تیم هما و تیم ملی ایران، و محمد حیرانی، روزنامه‌نگار ورزشی و مدیر سابق روابط عمومی و امور

بین‌الملل باشگاه استقلال، از حمید علیدوستی و میراثی که از او در فوتبال ایران به جا مانده است، گفته‌اند.



بازکردن در پنجره جدید

لینک مستقیم

«هما»؛ فراتر از یک تیم فوتبال

بهمن فروتن درباره رابطه‌اش با حمید علیدوستی می‌گوید: «یک لحظه دوست بودیم، یک لحظه مربی و شاگرد بودیم و یک لحظه برای هم مثل برادر بزرگ‌تر و کوچک‌تر بودیم؛ چون من فقط ۹ سال از حمید بزرگ‌تر هستم».

حمید علیدوستی، ملی‌پوش سابق فوتبال ایران که در ماه‌های آخر زندگی خود مدیر فنی باشگاه چادرملوی اردکان بود، هنگام مرگ ۷۰ سال داشت. آقای فروتن از آشنایی‌اش با این فوتبالیست در باشگاه هما می‌گوید؛ تیمی که به گفتهٔ این مربی فوتبال، فراتر از یک باشگاه بود: «در تیم هما جریان‌های فرهنگی و سیاسی از گروه‌های سیاسی مختلف حضور داشتند، بیشتر افراد تحصیل‌کرده بودند و تفکراتی داشتند».

به اعتقاد بهمن فروتن، ویژگی‌های خاص هما ریشه در منش و روش پرویز دهداری داشت که در تاریخ فوتبال ایران به «معلم اخلاق» این رشته ورزشی شهرت دارد.

آقای فروتن به روزی برمی‌گردد که تصمیم گرفت حمید علیدوستی را از «گوش چپ» به «مهاجم نوک» تبدیل کند.

او حمید علیدوستی را به یاد می‌آورد که داشت بند کفش‌هایش را می‌بست و در همین هنگام رو به احمد سنجری، مدافع تیم هما، کرده و گفته بود: «مربی‌های خیلی بهتر از این نتوانسته‌اند از من نوک حمله گلزن بسازند؛ حالا این می‌خواهد من را نوک حمله گلزن بکند!»

بهمن فروتن به او گفته بود: «شنیدم! همین را گفتی؟ ولی من به تو یاد می‌دهم گلزنی را، مطمئن باش».

او برای این کار، گل‌های حمید علیدوستی در تمرین و مسابقه را ثبت می‌کرد و با او درباره آن‌ها حرف می‌زد. قرارشان این بود که حمید علیدوستی در تمرین و بازی، بدون گل به خانه نرود.

گوش چپی که گلزن شد

محمد حیرانی در توضیح آشنایی خود با حمید علیدوستی به دههٔ شصت خورشیدی و فضای بستهٔ آن روزگار برمی‌گردد؛ دورانی که محدودیت رسانه‌ای، اخبار فوتبال را به یکی از معدود راه‌های ارتباط با زمین مسابقه تبدیل کرده بود.

او می‌گوید یکی از خبرهایی که هر هفته به گوش می‌رسید، گلزنی علیدوستی برای هما بود: «این موضوع کنجکاوی خیلی‌ها را برمی‌انگیخت که ببینند این مهاجمی که نه در استقلال بازی می‌کند و نه در پرسپولیس، اما هر هفته می‌درخشد و مدافعان این دو تیم را به دردسر می‌اندازد، چه کسی است؟»

آقای حیرانی بعدها، در دوران خبرنگاری و در مصاحبه‌هایی که با حمید علیدوستی داشت، او را شخصیتی متمایز از کلیشه‌های رایج فوتبالیست‌های آن دوران شناخت.

اما بهمن فروتن تفاوت علیدوستی را در وجه فرهنگی او می‌بیند و می‌گوید: «اگر با پرویز دهداری یک انقلاب اخلاقی در فوتبال ایران به وجود آمد، با حمید علیدوستی یک انقلاب فرهنگی شکل گرفت».

به اعتقاد آقای فروتن، جریانی که او از آن با عنوان «انقلاب فرهنگی حمید علیدوستی» یاد می‌کند، می‌توانست ادامه پیدا کند، اما شرایطی که با ورود پول به فوتبال پدید آمد، به تغییر رفتارها و گسترش بداخلاقی‌ها انجامید و اجازه نداد آن الگو گسترش یابد.

انقلاب فرهنگی یا شکست فوتبال؟

با این حال، محمد حیرانی با تعبیر «انقلاب فرهنگی» مورد نظر بهمن فروتن موافق نیست.

او می‌گوید فضای «لمپنیسم» و چرخهٔ بستهٔ فوتبال، چهره‌هایی مانند علیدوستی را به حاشیه رانده است.

به گفته آقای حیرانی، علیدوستی با وجود فعالیت در تیم‌هایی چون سایپا و پیکان، فرصت چندانی برای فعالیت در سطح اول فوتبال ایران پیدا نکرد و فوتبال ایران از ظرفیت چنین چهره‌هایی استفاده نکرد.

آقای حیرانی در توضیح این ناکامی تأکید می‌کند که اگر قرار باشد از شکستی سخن بگوییم، این شکست متعلق به حمید علیدوستی نیست، بلکه شکست فوتبال ایران است؛ فوتبالی که از چهره‌هایی مانند او استفاده چندانی نکرده است.

بهمن فروتن در مقابل می‌گوید: «مگر پرویز دهداری را کنار نگذاشتند؟ خب، زور بی‌اخلاقی بیشتر از اخلاق بود. ولی یک انقلاب بود».

آقای فروتن با اشاره به حضور جریان‌های سیاسی در تیم فوتبال هما می‌گوید علیدوستی سیاسی نبود، آدمی فرهنگی بود؛ کتاب دوست داشت، ادبیات دوست داشت، نقاشی دوست داشت، موسیقی دوست داشت و عاشق سینما بود.

فوتبال ایران با متفاوت‌ها چه کرد؟

محمد حیرانی با یادآوری رفتار حرفه‌ای آقای علیدوستی می‌گوید او درباره داوران اظهارنظر نمی‌کرد، پس از شکست به‌دنبال مقصر نمی‌گشت و در تمرین‌های پیکان‌شهر نگاه متفاوتی به فوتبال و آموزش بازیکنان داشت.

آقای حیرانی اما معتقد است فضای بستهٔ فوتبال، آدم‌های متفاوت را نمی‌پذیرفت و علیدوستی هم در دوران بازیگری و هم در دوران مربی‌گری از این وضعیت متضرر شد.

بهمن فروتن اما مسئله را فقط به سرنوشت علیدوستی محدود نمی‌کند و بر این باور است که جنگ، تحریم‌ها و شرایط سیاسی از عواملی بوده‌اند که به فوتبال ایران آسیب زده‌اند.

او می‌گوید حمید علیدوستی در حدود ۲۹ یا ۳۰ سالگی به آلمان آمد؛ زمانی که برای درخشش در بوندس‌لیگا دیر شده بود.

«ترانه»؛ یک تسویه حساب سیاسی

محمد حیرانی نیز در ادامه، با اشاره به چهره‌های به حاشیه رانده‌شدهٔ فوتبال ایران، از افرادی مانند جواد زرینچه و علی افتخاری نام می‌برد و استفاده این روزها از نام علیدوستی در برخی برنامه‌ها را «پُز

روشنفکری» می‌خواند.

او همچنین حملات صورت‌گرفته به ترانهٔ علیدوستی از سوی برخی کاربران فضای مجازی نزدیک به حکومت و مخالفان پادشاهی‌خواه حکومت، پس از درگذشت حمید علیدوستی را نمونه‌ای از استفاده ابزاری از مرگ برای تسویه‌حساب سیاسی می‌داند.

«حمید» یک جرقه بود

بهمن فروتن نیز با مقایسه علیدوستی با دکتر سوکراتس در برزیل، که از او به عنوان یکی از چهره‌های اثرگذار در شکل‌گیری دموکراسی در دوران حکومت نظامیان یاد می‌کند، می‌گوید علاقه‌اش به چنین بازیکنی صرفاً به‌دلیل برجستگی ورزشی او نیست؛ بلکه به این دلیل است که یک بازیکن می‌تواند جرقه‌ای برای شکل‌گیری تحولی بزرگ‌تر باشد. او در همین چارچوب، حمید علیدوستی و تیم هما را جرقه‌ای برای چنین تحولی می‌داند.

بهمن فروتن سپس با یادآوری خاطره گلی از علیدوستی می‌گوید او در بازی دوستانه با دارایی، از سمت چپ و پشت محوطه هجده‌قدم، با پای چپ شوتی سرضرب زد که پس از برخورد به تیرک راست دروازه، به تیرک سمت چپ برخورد کرد و وارد دروازه شد. علی‌دوستی پس از بازی، با آن لبخندهای بعد از گل زدنش ــ که به گفته بهمن فروتن، آن لبخندها و چشم‌هایش را بسیار دوست داشت ــ از کنار او گذشت و گفت: «بهمن‌خان، عجب گلی بود!»

در پایان، حیرانی از درگذشت حسن حبیبی یاد می‌کند؛ بازیکن و مربی‌ای که در نخستین قهرمانی آسیا کاپیتان تیم ملی بود و در تیم‌هایی چون شاهین، تاج و پاس حضور داشت. او حبیبی را از چهره‌های اثرگذار و دلسوز فوتبال ایران دانست. بهمن فروتن نیز در آخرین جمله‌اش درباره او گفت: «حسن حبیبی بزرگ من بود».

این مطلب بخشی از:

ورزش | بایگانی | فراتر از خبر | پاراگراف اول

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.